

## عربی اختصاصی ۳

\*\* عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

۱- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرًا مَا يَخْرُجُ مِنْ تَمْرٍ ذَلِكَ الْغَرْسُ:

- (۱) هیچ مردی نیست جز اینکه درخت بکارد و خداوند از اجر آن می نویسد به اندازه آنچه که از میوه آن نهال خارج می شود!
- (۲) هر مرد که درختی بکارد جز این نیست که خداوند برایش از پاداش به اندازه هر چیزی که از میوه آن درخت خارج می گردد، بنویسد!
- (۳) هر مردی که نهالی بکارد، خداوند به مقدار میوه‌ای که از آن درخت به دست می آید، در نامه اعمال او پاداش می نویسد!
- (۴) هیچ مردی نیست که نهالی بکارد، جز اینکه الله برای او از پاداش به اندازه چیزی بنویسد که از میوه آن نهال بیرون می آید!

۲- هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ: این .....!

- (۱) است آفرینش الهی؛ پس ببینید آن‌ها چه چیزی غیر از او خلق کرده‌اند؟!!
- (۲) همه آفریده خداست، اما مرا به آنان نشان دهید که چیزی را به جای او آفریده‌اند؟!!
- (۳) خلق الله است، پس به من نشان دهید چه چیزی آفریدند کسانی که غیر از او هستند؟!!
- (۴) آفرینش خداوند است، پس به من نشان دهید که به جای او، چه کسانی را آفریدند؟!!

۳- أَهَمُّ شَيْءٍ تَعَلَّمْنَاهَا فِي الْحَيَاةِ هُوَ أَنْ نُحْسِنَ إِلَى النَّاسِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْنَا:

- (۱) مهم‌ترین چیزی که در زندگی آموخته‌ایم این است که به مردم نیکی کنیم همان‌طور که الله به ما نیکی کرده است!
- (۲) با اهمیت‌ترین آنچه که در زندگی مان یاد گرفته‌ایم احسان در حق مردم است، همان‌گونه که خداوند به ما احسان کرده است!
- (۳) چیز مهمی که در زندگی خود آموخته‌ایم این است که به دیگران همان‌گونه نیکی کنیم که خداوند در حق ما نیکی کرد!
- (۴) زندگی به ما آموخت که همان‌طور که خداوند در حق ما نیکی کرد، به دیگران نیکی کنیم و این مهم‌ترین چیز است!

۴- شَاهِدْنَا فِي الْفَلَاةِ رُكْبًا يَسَافِرُونَ عَلَي دَوَابِّهِمْ:

- (۱) در صحراء کاروانی را دیدیم که سوار بر چهارپایان به سفر می‌روند!
  - (۲) اسب‌سوارانی در بیابان مشاهده کردیم که همراه با چهارپایان به مسافرت رفتند!
  - (۳) دیدیم جماعتی از کاروان شتران را که سوار بر چهارپایان مسافرت می‌کردند!
  - (۴) در بیابان کاروان شتران را دیدیم که سوار بر چهارپایان سفر می‌کردند!
- ۵- عِنْدَمَا تَقِفُ جَرَادَةٌ عَلَى الرَّمَالِ، تُقَرَّبُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ نَفْسَهَا مِنْهَا شَيْئًا فَشَيْئًا وَ تَصِيدُهُ بَغْتَةً: وقتی .....

- (۱) ملخ بر روی شن‌ها می‌ایستد، مار صحرائی کم‌کم به او نزدیک می‌شود تا به یکباره شکارش کند!
- (۲) ملخ بر روی ماسه‌ها در صحراء توقف کند، مار به شکل ناگهانی خودش را نزدیکش می‌کند تا آن را صید کند!
- (۳) مار صحراء ایستادگی ملخ را روی ماسه ببیند، کم‌کم نزدیک او می‌شود، و ناگهان او را صید می‌کند!
- (۴) ملخی روی شن‌ها بایستد، کم‌کم مار صحرائی خودش را به او نزدیک می‌کند و یکباره شکارش می‌کند!

۶- الْمُعْجَمُ الَّذِي أَلْفَهُ الْعَالِمُ الْإِيرَانِي فِيرُوزُ أَبَادِي يُضَمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً تَرْتَبُطُ الْمَفْرَدَاتُ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ:

- (۱) فرهنگ لغتی که دانشمند ایرانی «فیروزآبادی» نوشته است، دربردارنده لغات بسیاری است و برخی لغات با برخی دیگر ارتباط دارند!
- (۲) دائرة المعارف تألیفی «فیروز آبادی» عالم ایرانی، واژگان زیادی را در بر می‌گیرد که برخی واژگان را به یکدیگر ربط می‌دهد!
- (۳) واژه‌نامه‌ای که دانشمند ایرانی «فیروز آبادی» تألیف کرد، الفاظ بسیاری را شامل می‌شود که آن واژگان با همدیگر مرتبط هستند!
- (۴) «فیروز آبادی» کسی است که فرهنگی را به رشته تحریر درآورد و آن حاوی واژه‌های زیادی است که با یکدیگر مرتبط هستند!

۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) قَدْ مُنِعْتُ عَنْ تَنَاوُلِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از خوردن مواد قندی منع شده‌ام!
- (۲) قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: قطعاً استاد دانش‌آموزان قدیمی را به یاد می‌آورد!
- (۳) أَقْوَى النَّاسِ مَنْ انْتَصَرَ عَلَى غَضْبِهِ سَهْلًا: قوی‌ترین مردم کسی است که به سادگی بر خشم پیروز شود!
- (۴) يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِن نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ: نیکوکار اگر به منازل مردگان نقل مکان کند، زنده می‌ماند!

۸- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) يَا كَافِرًا لَا عَيْنَ لَكَ لِتَبْصُرَ بِهَا الْحَقَّ: ای کافر، هیچ چشمی نداری تا حق را با آن ببینی!
- (۲) كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ أُخْتٌ مِنَ الرِّضَاعَةِ: رسول خدا (ص) خواهری رضاعی داشت!
- (۳) الْحَزَامُ شَرِيطٌ تُغْلِقُهُ عِنْدَمَا تَرْكَبُ السَّيَّارَةَ: کمربند نواری است که آن را می‌بندیم وقتی سوار ماشین می‌شویم!
- (۴) لَمْ يَكُنْ غَرَضُ نُبُولٍ مِنْ اخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ إِشَاعَةَ الْحُرُوبِ: نوبل، قصدش از اختراع دینامیت اشاعه جنگ نبود!

٩- مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، سَلِمَ مِنَ الْأَخْطَاءِ: عَيِّنْ مَا يَرْتَبِطُ بِمَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- (١) هر کس در پنهان تیزهوش است / کس نگوید که دوغ من ترش است!  
(٢) سخن از آسمان بلندتر است / تا نگویی که نظم مختصر است!  
(٣) سخن از مستمع نکو گردد / کهنه از روزگار نو گردد!  
(٤) تأمل کنان در خطا و صواب / به از زاوخیایان حاضر جواب!

\*\*\* عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

١٠- نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قَبْحِ الزَّلَلِ وَ نَسْتَعِينُ بِهِ:

- (١) الله: اسم - مفرد - معرف بأل - مذکر / مجرور بحرف الجرّ  
(٢) سُبَات: اسم - جمع سالم للمؤنث - نكرة - معرب / مجرور بحرف الجرّ  
(٣) الزَّلَل: جمع تكسير مفردة «زَلَّة» و هي مؤنث - مفرد - معرف بأل / مبتدأ و مرفوع بالضمّة  
(٤) نستعين: فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي من باب استفعال - معرب / فعل و مع فاعله جملة فعلية

١١- مَنْ أذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي:

- (١) مَنْ: من أدوات الشرط - معرفة - معرب / مبتدأ  
(٢) أذنب: فعل ماض - مزيد ثلاثي من باب إفعال - مبني / فعل الشرط  
(٣) يضحك: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي / جواب الشرط  
(٤) هو: ضمير منفصل - معرفة - معرب / مبتدأ و مع خبره «يبكي» جملة فعلية

١٢- هُمَا يَغْرَسَانِ فَسَائِلَ فِي بَدَايَةِ حَيَاتِهِمَا الْجَدِيدَةِ:

- (١) هما: ضمير منفصل - معرفة - مبني / فاعل و مرفوع  
(٢) يغرسان: فعل مضارع - مزيد ثلاثي - معرب / مع فاعله جملة فعلية  
(٣) فسائل: جمع تكسير مفردة «فسيلة» و هي مؤنث - نكرة / مفعول به  
(٤) الجديدة: اسم - مفرد مؤنث - معرف بأل / مضاف إليه و مجرور

\*\*\* عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١٣- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لَيْسَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحذُوفًا؟

- (١) لم يذهب أُمس إلى المدرسة إلّا عليّ!  
(٢) لا يكون في غفلة عن الله إلّا الإنسان الجاهل!  
(٣) ما نشرت هذا الأسبوع إلا مجلّتان اثنتان!  
(٤) استشهد أصحاب الحسين في عاشوراء إلّا السجّاد!

١٤- عَيِّنْ مَا يُمْكِنُ تَرْجُمَتُهُ اِجْتِبَائِيًّا وَ سَلْبِيًّا (مُثَبِّتٌ وَ مَنْفِيٌّ):

- (١) كلّ العيون تبكي يوم القيامة حتماً إلّا عين المؤمن المتقي!  
(٢) رسب الطلّاب كلّهم في امتحانات نهاية السنة إلّا واحد منهم!  
(٣) لم يشرب الطّفل الصغير من ماء الطرف هذا اليوم إلّا جرعة!  
(٤) أنفق التّاجر أمواله كلّها في سبيل الله إلّا سيّارته الثّمينّة!

١٥- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ الْحَصْرُ؟

- (١) المؤمن ما قال كلاماً إلّا الحقّ!  
(٢) ليس العمر إلّا ضيفاً في الإقامة!  
(٣) لم يكن عندي شيء إلّا ما أعطيته!  
(٤) أعلنت نتائج المسابقات إلّا واحدة منها!

١٦- عَيِّنْ اسْمَ الْفَاعِلِ فَاعِلًا خَبْرًا:

- (١) المجاهد اقترب من حدود الأعداء و الظّالمين!  
(٢) أمر المؤمنون بأداء الصّلاة و الرّكاة!  
(٣) عند الغروب يجتمع المساكين قرب بيتنا!  
(٤) تعلّم المسلمون من نبيّهم علوماً كثيرة!

١٧- عَيِّنْ «مَنْ» خَبْرًا:

- (١) فقد شبّه الله كلام مَنْ يرفعُ صوته دون دليلٍ منطقيّ بصوت الحمار!  
(٢) علينا أن نتواضع أمام أصدقائنا و زملائنا و كلّ مَنْ حولنا!  
(٣) أعلم النّاس، مَنْ جمع علم النّاس إلى علمه!  
(٤) إن ربك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين!

١٨- عَيِّنِ الْجَوَابَ الَّذِي مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) إنّما الدنيا لعبٌ و لهو!  
(٢) لا خلق أقبّح من الكبر!  
(٣) أنتم الأعلىون إن كنتم مؤمنين!  
(٤) ما أجمل اللون الأسود بين الألوان!

١٩- عَيِّنْ عِبَارَةً لَيْسَ كُلُّ أَسْمَائِهَا مَعْرُفَةً:

- (١) تبادُلُ المُفْرَدَاتِ فِي اللُّغَاتِ الْمُتْجَاوِرَةِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ!  
(٢) المُفْرَدَاتُ الْفَارْسِيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ!  
(٣) فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ شَاعَ التَّكَلُّمُ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ!  
(٤) ازدادت في القرون الأخيرة المُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ!

٢٠- عَيِّنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَخْتَلَفًا عَنِ الْعِبَارَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- (١) نجح الطلّاب في الامتحان إلا طالباً واحداً!  
(٢) اللّيلة لا يرى شيء في السماء إلا القمر!  
(٣) فهل يهلك إلّا القومُ الفاسقون!  
(٤) لم يسمعُ كلامٌ في الصّفِ إلّا السّؤال!